نقد نظر
شماره پنجم
اسفند ۱۴۰۴
۴۲

فضای سبز معاصر پیوستی الحاقی در برنامه‌های توسعهٔ شهری؛ نقدی بر رویکرد کمی‌گرا به توسعهٔ فضای سبز

بابک عبدی
پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش به نقد رویکرد کمی‌گرای حاکم بر توسعهٔ فضای سبز شهری در ایران می‌پردازد؛ رویکردی که افزایش مساحت و سرانهٔ فضای سبز را به‌عنوان شاخص اصلی موفقیت توسعهٔ فضای سبز در مدیریت شهری تلقی کرده و کمتر به کیفیت، هویت و انطباق آن با بستر مکانی توجه دارد. مسئلهٔ اصلی، شکل‌گیری فضاهای سبز غیرمکان‌محور است که با وجود گسترش کمی، در پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و محیطی ساکنان ناکارآمد بوده و از پایداری لازم برخوردار نیستند. پرسش تحقیق آن است که مؤلفه‌های مکان‌ساز منظر سبز سنتی ایرانیان چیست و چگونه می‌توان با مقایسهٔ آن با فضای سبز معاصر، کاستی‌های رویکرد غیرمکان‌محور را تبیین کرد؟ هدف پژوهش، استخراج ویژگی‌های منظر سبز مکان‌محور و ارائه چارچوبی برای ارتقای کیفیت فضای سبز شهری است. روش تحقیق مبتنی بر تحلیل تطبیقی میان ویژگی‌های فضای سبز معاصر و منظر سبز سنتی ایران است. فضای سبز معاصر با نادیده گرفتن ظرفیت‌های مکانی و غفلت از نیازهای ساکنان به صورت تک‌عملکردی برای تفریح و گذران اوقات فراغت ایجاد شده، با ذهنیت تاریخی ساکنان و خاطرات جمعی آنان ارتباط معناداری نداشته و به دلیل ناسازگاری با شرایط محیطی به نگهداری مداوم نیاز دارد. در حالی که منظر سبز سنتی با تکیه بر مشارکت اجتماعی، توزیع عادلانه، پیوند با هویت محلی و چندعملکردی بودن، نقش فعالی در شکل‌دهی به حس مکان و پایداری ایفا می‌کند. در نتیجه، تغییر رویکرد از توسعه کمی به کیفی و توجه به ظرفیت‌های مکانی، شرط احیای منظر سبز شهری مکان‌ساز است.

واژگان کلیدی: فضای سبز، منظر سبز، توسعهٔ مکان‌محور.

Email: babakabdi@ut.ac.ir

نشریه مکتب نقدنظر، ۱ (۵): ۴۷ ـ ۴۲ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.5.42]

نقد نظر
شماره پنجم
اسفند ۱۴۰۴

چگونه تسلط نگاه کمّی‌گرا، فضای سبز شهری را به فضایی "الحاقی و غیرمکان‌محور" تقلیل داده و راهکارِ گذار به "منظر سبزِ هویت‌مند و باکیفیت" چیست؟

مقدمه

گسترش شهرنشینی و توسعهٔ شهری معاصر منجربه نیاز روزافزون انسان به تماس با طبیعت شده و جوامع بین‌المللی به مزایای فضای سبز در جنبه‌های مختلف زیست‌محیطی، زیبایی شناختی، اجتماعی و... تأکید ویژه‌ای دارند. در این راستا در ایران نیز مقولهٔ فضای سبز در مدیریت شهری کاربری تلقی می‌شود که افزایش مساحت و سرانهٔ آن مطلقاً امری ضروری تصور می‌شود. افزایش کمی فضای سبز بدون توجه به کیفیت آن منجر به ایجاد پهنه‌های سبز ناکارآمدی شده است که صرفاً سبز محسوب شده و در رفع نیازهای ساکنان ناتوان هستند. در نتیجه استقبال ساکنان از استفاده از این فضاها کاهش یافته و عملاً نبدیل به یک کاربری تفریحی برای گذران موقتی اوقات فراغت برای برخی از ساکنان شده است. با توجه به ناسازگاری فضاهای سبز با ویژگی‌های کالبدی زمینه همچون اقلیم نیز پایداری آن ضعیف بوده و عملاً به هزینه‌های هنگفتی برای نگهداری نیاز دارند. توسعه و بهبود فضای سبز به معیارهای کمی همچون سرانه، آبیاری، کوددهی و... تقلیل یافته و فضای سبزی که بزرگتر و با تعداد درخت بیشتر احداث شود مطلوب‌تر تلقی می‌شود. این درحالی است که شواهد تاریخ نشان می‌دهد جایگاه منظر سبز سنتی در محله‌های ایرانی فراتر از عنصری زیبا با عملکرد تفریحی است. شأن مقدس آب و درخت در اعتقادات و ذهنیت ساکنان و حضور مستمر این عناصر منظر در فعالیت‌های روزمرهٔ ساکنان، رویدادهای اجتماعی و مراسمات آیینی نشان از این اهمیت ویژهٔ منظر سبز فراتر از عنصری تزئینی دارد که ثابت می‌کند در مقولهٔ فضای سبز صرفاً مساحت و اندازه نیست که تعیین‌کننده است. بنابر این سوال اصلی این پژوهش مؤلفه‌های مکان‌ساز منظر سبز سنتی ایرانیان بوده و بامقایسهٔ ویژگی‌های فضای سبز معاصر با منظر سبز سنتی به نقد توسعهٔ غیرمکان‌محور فضای سبز معاصر پرداخته و معایب آن را تشریح و تحلیل می‌کند.

فضای سبز غیرمکان‌محور

● فقدان دسترسی و عدالت

فضاهای سبز غیرمکان‌محور اغلب در رفع نیازهای جوامع محروم شکست می‌خورند و به دلیل مسائلی مانند فاصله، ایمنی و کیفیت، منجر به عدم استفاده کافی از آنها می‌شوند (Chenyang et al., 2022) که این امر می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی را تشدید کرده و بهرمندی عادلانهٔ همهٔ شهروندان از مزایای این فضاها را محدود کند (Newton et al., 2026). مکان‌یابی فضاهای سبز در طرح‌های توسعهٔ شهری همواره اقضای محلی و نیازهای شهروندان در محله‌های مختلف شهری با ترکیب اجتماعی متفاوت را نادیده گرفته و مشهود است که برخی از شهروندان برخورداری کمتری از این فضاها دارند. بنابرین چگونگی دسترسی ساکنان هر

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.5.42]

محلـه بـه فضـای سـبز دارای ارتبـاط مسـتقیمی بـا عدالـت محیطـی اسـت. عمومـاً پـس از تعییـن کاربری‌هـای مختلـف در فراینـد برنامه‌ریـزی شـهری فضـای سـبز به عنـوان الحاقی بـه برنامـه در فضاهـای جامانـده اختصاص داده شـده و بـه ظرفیت‌هـای محلـی توجهـی نمی‌شـود. فضـای سـبز بـه عنـوان دارایـی عمومـی شـهر بایـد بـه صـورت برابـر در دسترسـی همـهٔ شـهروندان قرار گیـرد و نـه بـه صـورت اختصاصی فضای سـبزی با کیفیت بـالا در اختیـار مناطـق خاصـی داشـته و بخش‌هـای دیگـری از شـهر فضـای سـبز کم‌اهمیـت تلقی شـده و دسترسـی به آن طبقاتـی گـردد. اختصـاص فضـای سـبز بـه صـورت منطقـه‌ای در کلان‌شـهرها و عـدم توجه بـه نیازهای محلی و همسـایگی و ضـرورت بهرمنـدی سـاکنان هـر محلـه از ایـن فضاهـا از نمونه‌های عـدم رعایت عدالـت محیطی در دسترسـی بـه فضای سـبز اسـت.

● نقش غیرفعال ساکنان در حفظ فضای سبز

فضـای سـبز دسـتوری و بـه صـورت بالابه‌پاییـن نیازهـا و ترجیحـات منحصربفـرد جامعـهٔ محلـی را مدنظـر قـرار نـداده بنابریـن میـزان اسـتفادهٔ سـاکنان و پیونـد آنـان بـا ایـن فضاهـا تضعیف شـده در نتیجه مشـارکت سـاکنان در حفـظ و نگهـداری از آن کاهـش می‌یابـد (Willdan et al., 2023). فضـای سـبز جـدا افتـاده از زندگـی روزمـرهٔ سـاکنان محلـی در رویدادهـای اجتماعـی غایـب بـوده و در خاطـرات جمعـی سـاکنان محلـی غایب اسـت. فضای سـبزی کـه بـه یـک فعالیـت خـاص (تفریـح) اختصـاص داده شـده و به‌عنـوان بخشـی جدایی‌ناپذیـر از زندگـی مـردم تلقـی نمی‌شـود، در ذهنیـت سـاکنان نیـز عنصـری با اهمیـت و ضـروری تلقی نمی‌شـود؛ در نتیجـه نابودی آن خدشـه‌ای در احساسـات سـاکنان ایجـاد نمی‌کنـد. احسـاس مسـئولیت در حفـظ و نگهـداری از فضـای سـبز شـهری دارای ارتبـاط مسـتقیمی بـا جایـگاه آن در ذهنیـت سـاکنان دارد. بنابرایـن پرواضـح اسـت کـه علی‌رغـم اطلاع‌رسـانی دربـارهٔ مزایـای زیسـت‌محیطی فضـای سـبز و ضـرورت آن در محیـط شـهری نیـز موجـب افزایـش مشـارکت شـهروندان در حفـظ و نگهـداری آن نمی‌شـود. ایفـای نقـش فعـال سـاکنان در حفظ و نگهـداری فضای سـبز زمانـی میسـر می‌گـردد کـه شـأن و اهمیـت فضای سـبز در ذهنیـت سـاکنان از عنصـری طبیعی بـا کاربری تفریحـی فراتـر رفتـه و خطـر نابـودی آن تهدیـدی جـدی بـرای کیفیـت زندگـی آنـان تلقی گـردد.

● گسست محیطی و اجتماعی

فضاهـای سـبزی کـه بـا بافت محلـی ادغـام نشـده‌اند، ممکـن اسـت در ایجاد حـس تعلق به مـکان و دلبسـتگی در بیـن سـاکنان شکسـت بخورنـد. ایـن امـر می‌تواند بهرمندی سـاکنان از مزایـای روانشـناختی و اجتماعـی فضاهـای سـبز را نیـز کاهـش دهـد (Wu et al., 2021). وقتـی عناصـر طبیعـی ماننـد درختـان از عنصـری منظریـن بـا ارزش معنایـی بـه عنصـری سـبز کالبـدی در محیـط تقلیـل می‌یابنـد میـزان دلبسـتگی و علاقه سـاکنان محلـی نیز به آن کاهـش می‌یابـد. ایـن تقلیـل ارزش معنایـی حاصـل کاشـت گونه‌هـای غیربومـی و فاقـد پیونـد بـا ذهنیت سـاکنان اسـت. در فضای سـبز معاصر گونه‌های گیاهی مشـابه در بسـیاری از شـهرهای ایـران کاشـته شـده و توجهـی بـه سـابقهٔ تاریخی و فرهنـگ گیاهـان در ذهنیت نمی‌شـود، در نتیجـه نوعـی گسسـت در پیونـد ذهنـی سـاکنان بـا فضای سـبز رخ مشـاهده می‌شـود. مـکان دارای ابعـاد کالبـدی، اجتماعـی و تاریخـی اسـت؛ تعلق به یک مـکان نیازمند پیونـد بـا هـر سـه بعـد مـکان اسـت، فضای سـبز نیز بـه عنـوان عنصـری از مـکان اگـر فاقد پیونـد بـا اجتمـاع، کالبـد و تاریـخ باشـد نمی‌توانـد نقشـی فعـال در ایجـاد احسـاس تعلق به مـکان ایجـاد کنـد. ایـن پیونـد در قالـب رویدادهـای اجتماعـی و در بسـتر فضاهـای عمومـی رخ می‌دهـد؛ بنابرایـن فضـای سـبزی مکان‌سـاز اسـت کـه حضـوری فعـال در رویدادهـای اجتماعـی داشـته و به‌عنـوان زیرسـاختی اساسـی در فضاهـای عمومـی تلقی شـود.

توسعه فضای سبز شهری به شاخص‌های کمّی، فضاهایی «غیرمکان‌محور» و بیگانه با بستر اقلیمی و حافظه جمعی شهروندان تولید کرده است. فضای سبز نباید یک «پیوست الحاقی» در شهرسازی باشد؛ بلکه باید با گذر از کمیت‌گرایی، به یک «منظر سبز مکان‌محور، هویت‌مند و چندعملکردی» تبدیل شود. در واقع، پیوند دوباره عناصر طبیعی با نیازهای اجتماعی و هویت تاریخی-فرهنگی بستر، تنها راه عبور از ناکارآمدی فعلی است.

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.5.42]

● نحوۀ توزیع و اندازۀ فضای سبز

فضاهـای سـبز غیرمکان‌محـور ممکـن اسـت بـه طـور مسـاوی توزیع نشـده باشـند و منجر بـه ایجـاد بخش‌هایی از مناطـق شـهری بـا پوشـش سـبز ناکافـی شـوند. ایـن توزیـع ناهمـوار می‌تواند اثربخشـی کلـی فضاهای سـبز را در ارتقـاء سـلامت عمومـی، اجتماعـی و پایداری محیـط زیسـت محـدود کنـد (Mwendwa & Giliba, 2012). لزوم گسـترش فضـای سـبز در جوامـع بین‌المللـی موجـب توجـه خـاص مدیریـت شـهری در ایـران بـه ایـن مقولـه شـده و افزایـش سـرانۀ فضـای سـبز یـه عنـوان دسـتاوردی در مدیریـت شـهری در ایـران محسـوب می‌شـود. ایـن درحالـی اسـت کـه صرفـاً افزایـش مسـاحت فضـای سـبز بـدون توجه به کیفیـت و نـوع توزیع آن در سـطح شـهر نمی‌توانـد قدمـی مثبـت در ارتقـاء فضای سـبز شـهری محسـوب شـود. اندازه و مسـاحت فضای سـبز معاصـر تابع اقتضائـات محیطـی و نیـاز جامعـۀ محلـی نبـوده و دیـده می‌شـود که فضـای سـبزی ناسـازگار با شـرایط محیطی بـا هزینه‌هـای نگهـداری بـالا احـداث می‌شـود. عـلاوه بـر ایـن، پهنـۀ سـبزی بـا مسـاحت گسـترده در منطقـه‌ای احـداث می‌شـود کـه از نظـر اجتماعـی نیازمنـد فضـای سـبزی در مقیـاس محلـه اسـت و صرفـاً مسـاحت بـالای آن از مزایـای احـداث آن تلقـی می‌شـود. فضـای سـبز ناسـازگار بـا مقیـاس اجتماعـی و کالبـدی بسـتر علی‌رغـم افزایـش مسـاحت کلـی فضـای سـبز شـهری از مصادیق شکسـت سیاسـت سـرانۀ فضای سـبز اسـت.

فضای سبز مکان‌محور

● طراحی جامعه‌محور

فضاهـای سـبز محلـی بایـد بـا مشـارکت فعـال جامعـه طراحـی شـوند تـا از بـرآورده شـدن نیازهـا و ترجیحـات خـاص سـاکنان محلـی اطمینـان حاصـل شـود. ایـن امـر شـامل در نظـر گرفتـن نیازهـای اجتماعـی، فرهنگـی و تفریحـی گروه‌هـای متنـوع اسـت (Willdan et al., 2023). هیـچ طـراح و برنامه‌ریـزی بـه اندازۀ سـاکنان کـه ارتباط پیوسـته‌ای بـا فضـای سـبز محلۀ خـود داشـته و در زندگـی روزمـرۀ خود بـا آن در تعامل هسـتند به نیازهـای خود آگاه نیسـتند. فضـای سـبزی کـه با مشـارکت مـردم به طـرق مختلـف برنامه‌ریـزی و طراحی گـردد می‌توانـد ابعاد معنایـی و ارزش ذهنـی فضـای سـبز را در چگونگـی طراحـی آن دخیل نموده و در نتیجه منظری سـبز متناسـب با ادراک سـاکنان ایجـاد شـود کـه دیگـر عنصـری صرفـاً کالبـدی نبـوده و دارای ارزشـی فراتـر اسـت. درنتیجه منظر سـبزی کـه بـر اسـاس ادراک سـاکنان از مـکان و نیازهـای مختلـف فرهنگـی، اجتماعی و کالبـدی آنان ایجاد شـده اسـت؛ احسـاس تعلـق و دلبسـتگی بـه مـکان در آنان ایجـاد کرده و نقـش منفعل آنـان در حفظ و نگهـداری فضای سـبز را بـه نقشـی فعـال تبدیـل می‌کند.

● دسترسی‌پذیری و شمول

ایـن فضاهـا بایـد بـه راحتـی بـرای همـه اعضـای جامعـه، از جملـه گروه‌هـای محـروم، قابل دسترسـی باشـند. این امـر مسـتلزم قرارگیـری اسـتراتژیک در فاصلـه پیـاده‌روی و تضمیـن ایمنـی و کیفیت بـرای ترغیب سـاکنان برای اسـتفاده مکـرر اسـت (Chenyang et al., 2022). منظـر سـبز سـنتی در شـهرهای ایـران بـا قرارگیـری در نقـاط حیاتـی شـهر همچـون مراکـز محـلات و مرکـز شـهر و انطبـاق بـا سـاختار در سـازمان فضایـی عمـلاً به‌گونـه‌ای مکان‌یابـی شـده‌بودند کـه دسترسـی بـه آن‌هـا منحصـر بـه اقشـار خاصـی از جامعـه نبـوده و موجـب بهرمنـدی طبقاتـی از آن نمی‌شـد. مرکـز محلـه بـا داشـتن مرکزیـت کالبـدی و اجتماعی امـکان دسترسـی و بهرمندی همۀ سـاکنان از منظـر سـبز و در نتیجـه عدالـت محیطـی را فراهـم می‌کنـد. اسـاس مکان‌یابـی منظر سـبز مکان‌محور ظرفیت‌هـای کالبـدی بسـتر همچـون دسترسـی بـه آب و فاصلـۀ فیزیکـی بخش‌هـای مختلـف محلـه از آن و ظرفیت‌هـای اجتماعـی همچـون قابلیـت میزبانـی از رویدادهـای اجتماعی اسـت. در نتیجه منظر سـبز مکان‌محور برخـلاف فضـای سـبز معاصـر در موقعیـت ایزولـه و دورافتـاده از دسترسـی عمـوم قـرار نمی‌گیـرد.

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.5.42]

ادغام با هویت محلی

فضاهای سبز مبتنی‌بر مکان باید هویت و تاریخ منحصربه‌فرد جامعه را منعکس کنند. این امر می‌تواند از طریق استفاده از گیاهان بومی، نشانه‌های محلی و عناصر طراحی که با فرهنگ محلی طنین‌انداز می‌شوند، محقق شود (de Jager, 2023). مکان هم شامل تاریخ و هم شامل جغرافیاست؛ فضای سبز نیز از این قاعده مستثنی نیست، منظر سبز بومی علاوه بر اینکه سازگار با اقلیم و اقتضائات محیطی بستر است بلکه دارای سابقهٔ تاریخی و نقش کلیدی در خاطرات جمعی ساکنان است. تک‌درخت مقدسی که در تاریخ یک سرزمین دارای جایگاه خاصی است را نمی‌توان با درختان غیربومی و زینتی جایگزین کرد. این نقش کلیدی منظر سبز در هویت محلی و حس مکان در نتیجهٔ حضور مستمر عناصر طبیعی (آب و درخت) در بطن رویدادهای اجتماعی و فعالیت‌های روزمره ساکنان شکل گرفته است. در این نوع از منظر سبز درخت و آب تبدیل به عناصر منظرین شده و دیگر عنصری صرفاً طبیعی و زیبایی‌شناسانه محسوب نمی‌شوند، بلکه در «هویت سرزمینی» و «ادراک کل» نقش اساسی ایفا می‌کند.

چندعملکردی بودن

فضاهای سبز باید اهداف متعددی مانند تفریح، تعامل اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی را برآورده کنند. آن‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که فعالیت‌های مختلف را در خود جای‌دهند و مزایایی مانند بهبود کیفیت هوا، سلامت روان و انسجام اجتماعی را فراهم کنند (Willdan et al., 2023). در منظر سبز سنتی ایران نیز با قرار گرفتن آب و درخت مقدس در جوار امامزاده؛ فعالیت‌های زیارت، تفریح و تعامل اجتماعی باهم ادغام شده و فضای سبز دیگر کاربری تک‌عملکردی نیست. این چند عملکردی بودن در منظر سبز مرکز محله هم مشهود است؛ مرکز محله به عنوان کانون فعالیت‌های اجتماعی و رویدادهای دینی-آیینی نقطهٔ عطف پیوند ساکنان با عناصر طبیعی (آب و درخت) محسوب می‌شود. پیوند زندگی روزمره ساکنان، معیشت از طریق کشاورزی و باغداری نیز از علل تقویت جایگاه منظر سبز در ذهنیت ساکنان است. منظر سبزی که هم در وضعیت اقتصادی ساکنان تأثیر مثبتی داشته و هم در فعالیت‌های تفریحی، اجتماعی و آیینی دارای حضور پررنگی است دیگر صرفاً پهنه‌ای سبز با یکم عملکرد جانبی نیست.

نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی شهری معاصر بدون ملاحظهٔ ظرفیت‌های مکان کاربری به نام «فضای سبز» به‌وجود آورده است که با عملکرد تفریحی تبدیل به پیوستی الحاقی شده است که تقریباً در تمامی طرح‌های توسعه نامی از آن مشاهده می‌شود و از مزایای زیست‌محیطی و زیبایی‌شناختی آن سخن گفته می‌شود. افزایش سرانه و مساحت فضای سبز معاصر به عنوان قدمی مثبت در مدیریت شهری تلقی شده و بدون توجه به کیفیت آن تلاش برای افزایش مساحت همچنان ادامه دارد. فضای سبز غیرمکان‌محور با ابعاد مختلف مکان دارای ناسازگاری است؛ در بعد کالبدی می‌توان به ناسازگاری به اقلیم محلی و اقتضائات محیطی اشاره کرد که منجر به هزینه‌های سرسام‌آور نگهداری آن شده است، در بعد اجتماعی و ادراکی می‌توان به عدم نقش‌آفرینی آن در رویدادهای اجتماعی و فعالیت‌های روزمره مردم اشاره کرد و در نهایت در بعد تاریخی نیز به عدم ارتباط ذهنی و فرهنگی آن با خاطرات جمعی و اعتقادات ساکنان اشاره کرد. مجموعهٔ این ناسازگاری‌های فضای سبز با مکانیت بستر موجب ناکارآمدی آن در رفع نیازهای ساکنان، ناپایداری در طول زمان و در نهایت فقدان حس تعلق و حس مکان شده است. این در حالی است که «منظر سبز» سنتی در ایران با قرارگیری در کانون‌های اجتماعی مراکز محلات و حضور فعال در رویدادهای اجتماعی و زندگی روزمرهٔ مردم به کاربری چندعملکردی شده که دارای پیوند عمیقی با ذهنیت ساکنان و هویت

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.5.42]

محلی است. منظر سبزی که بر اساس ادراک ساکنان از مکان ایجاد شده و اقتضائات محیطی را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. این چنین منظر سبزی که ساکنان به آن احساس تعلق داشته و در حفظ آن مشارکت فعال دارند به هزینه‌های هنگفت برای نگهداری نیز نیازی ندارد. جدول ۱ مقایسه‌ای از ویژگی‌های فضای سبز غیرمکان‌محور معاصر و فضای سبز مکان‌محور سنتی را نشان می‌دهد. منظر سبز مکان‌ساز ظرفیت‌های مکانی را نادیده نمی‌گیرد و در ادراک کل سرزمین نیز دارای نقش اساسی است. بنابر این در برنامه‌های توسعهٔ معاصر تغییر رویکرد کمی‌گرا به کیفی‌گرا و توجه به ظرفیت‌های مکانی برای طراحی و برنامه‌ریزی منظر سبز به منظور جلوگیری از نابودی فضای سبز و توقف ناکارآمدی آن؛ در جهت احیای نقش مکان‌ساز آن امری ضروری است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از مقایسهٔ ویژگی‌های فضای سبز معاصر و منظر سبز سنتی.

جنبهٔ مقایسه	فضای سبز معاصر غیرمکان‌محور	منظر سبز سنتی مکان‌محور
نحوهٔ توزیع و دسترسی	پهنه‌ای، نامتوازن، ناعادلانه	نقاط عطف و کلیدی، عادلانه برای همهٔ ساکنان
مشارکت جامعه	ضعیف و غیرفعال	قوی و فعال
حس مکان	ضعیف، فاقد هویت محلی	قوی، دارای پیوند با تاریخ و فرهنگ محلی
عملکرد	تک‌عملکردی (عموماً تفریحی)	چندعملکردی و دربردارندهٔ فعالیت‌های مختلف
پایداری	کوتاه‌مدت، نیازمند نگهداری مداوم	پایدار با نقش جامعه‌ای پویا

منابع
- Chenyang, D., Maruthaveeran, S., & Shahidan, M. F. (2022). The usage, constraints and preferences of green space at disadvantage neighborhood: A review of empirical evidence. *Urban Forestry & Urban Greening, 75,* 127696. https://doi.org/10.1016/j.ufug.2022.127696
- Newton, D., Zarjoo, M., Stephenson, J., & Brown, P. (2026). Impact of residential green spaces on health inequalities in the UK: a systematic review and exploratory meta-analysis. *Urban Forestry & Urban Greening,* 129304. https://doi.org/10.1016/j.ufug.2026.129304
- Willdan, M., Kresnanto, N. C., Ramadhan, R. I., Said, N., & Putri, W. H. (2023). Green Open Space Revitalization Using Citizen Science and Green Design Theory: A Case Study of Green Open Space in Bener Village, Yogyakarta. In *E3S Web of Conferences* (Vol. 448, p. 03028). EDP Sciences. https://doi.org/10.1051/e3sconf/202344803028
- Wu, R., Pan, Z., Li, Z., Liu, Y., & Liu, Y. (2021). Effect of green space on residents' place attachment: A case study of Guangzhou city. *PROGRESS IN GEOGRAPHY, 40*(3), 441-456. https://doi.org/10.18306/dlkxjz.2021.03.008
- Mwendwa, P., & Giliba, R. A. (2012). Benefits and Challenges of Urban Green Spaces. *Chinese Journal of Population Resources and Environment, 10*(1), 73–79. https://doi.org/10.1080/10042857.2012.10685062
- de Jager, A. (2023). Urban pressure on the Rietvlei Nature Reserve in Tshwane, South Africa: An application of the Green-space Stress Model of Urban Impact. *Town and Regional Planning, 82,* 34–50. https://doi.org/10.38140/trp.v82i.7117

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained bye the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/version4/)

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.5.42]